

دیدگاهی بین‌المللی

در مورد

حسابداری مالی



مقدمه

حسابداری واقعیت دارد چرا که یک نیاز را برآورده می‌سازد و به عبارت خاص یک نیاز اطلاعاتی را رفع می‌نماید و به منظور اینکه به تامین‌کنندگان منابع مربوط باشد باید به نیاز آنان جواب دهد.

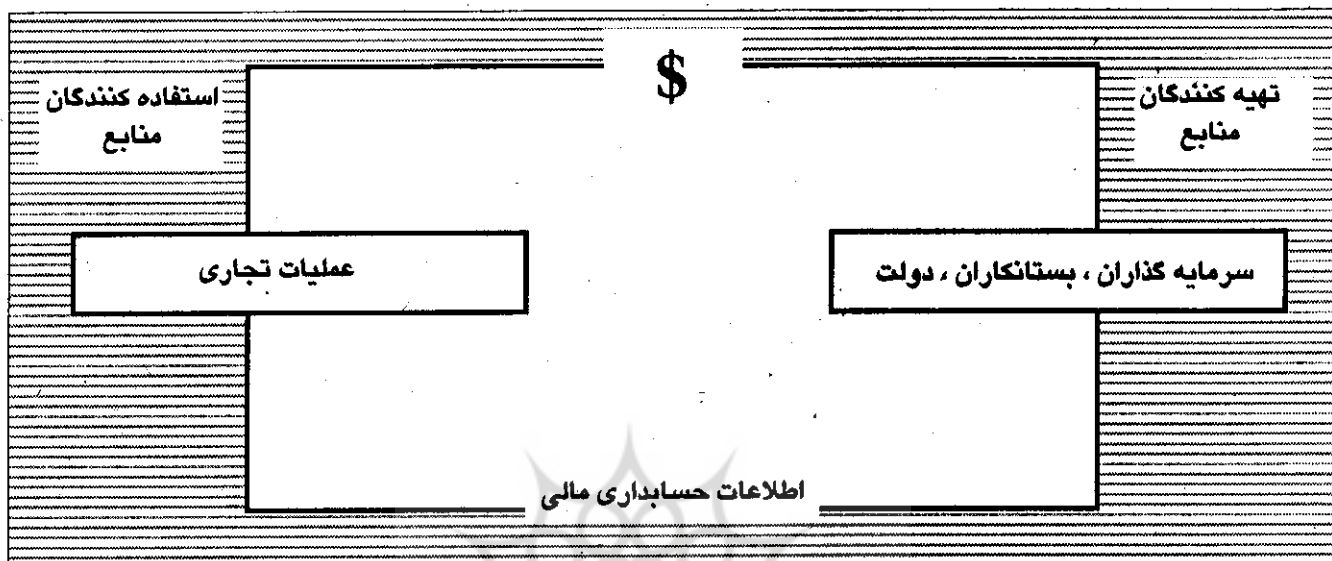
ارتباط حسابداری با محیط پیرامون خود حسابداری به اقتضای محیطی که در آن کار می‌کند شکل داده شده است. دقیقاً همان‌گونه که اقوام و ملت‌ها تاریخ، ارزش‌ها و سیستم‌های سیاسی متنوعی دارند، الگوهای توسعه حسابداری مالی متفاوتی نیز دارند. وجود اختلاف در حسابداری مالی یک واقعیت ملموس است و این

از دیدگاه تجاری و بازرگانی، حسابداری به‌عنوان فرایندی است که اطلاعات مربوط به معاملات مختلف را جمع‌آوری می‌کند تا از آن در تصمیم‌گیری برای تخصیص منابع استفاده شود. جهت‌گیری اطلاعات حسابداری عمومی به سمت خارجی عملیات تجاری است که باعث جلب سرمایه می‌شود. افرادی که پول برای سرمایه‌گذاری یا وام دادن در اختیار دارند، ممکن است براساس گزارش‌های مالی تصمیم بگیرند که در کجا منابع خود را صرف نمایند. نمودار شماره ۱ ارتباط بین عملیات تجاری و تهیه‌کنندگان سرمایه را توضیح می‌دهد.

Gerhard G. Mueller & Other.

ترجمه: حسین مقدم

دانشجوی رشته حسابداری (کارشناسی ارشد)
دانشگاه تهران



۱ - وجود ارتباط بین دنیای تجارت و

تامین کنندگان سرمایه

انقلاب صنعتی در آمریکا و انگلیس حجم بسیار بالایی از سرمایه و ثروت را انباشته کرد، سرمایه‌ای که سرعت در بین توده مردم منتشر می‌شد. همانطور که شرکتها رشد می‌کردند نیاز آنها به سرمایه هم افزایش می‌یافت. این پدیده بر روی حسابداری مالی این دو کشور اثر بسیار مهمی داشت و در میان نتایج و پیامدهای زیادی که به وجود آمد دو مورد آن دارای اهمیت است. نخست اینکه گروه سرمایه‌گذار و اعتباردهنده زیاد و متعدد شدند و شرکتها دارای مالکان زیادی (یعنی سهامداران) گشتند. دوم اینکه مالکیت و مدیریت این شرکتها از هم جدا شد و تخصص توسعه یافت. مدیرانی که مالک نبودند پدیدار شدند و دیگر سرمایه‌گذاران

حسابداری واقعیت دارد چرا که نیاز اطلاعاتی را رفع می‌نماید و به منظور اینکه به تامین کنندگان منابع مربوط باشد باید به نیاز آنان جواب دهد.

است. در بعضی از کشورهای دیگر حسابداری مالی به گونه‌ای است که به انجام سیاستهای اقتصادی کلان کمک می‌کند مانند کمک به پیشبینی نرخ رشد اقتصاد ملی.

متغیرهایی که باعث توسعه حسابداری می‌شوند

اختلاف یکی از نتایج تنوع در محیط تجاری جهان است و حقیقت این است که حسابداری حساسیت محیطی دارد. به این نکته جالب باید توجه کرد که هرگاه شرایط کشورها مشابه باشد سرانجام به سیستم حسابداری مالی مشابهی می‌رسند. در برخی از کشورها مانند آمریکا، اطلاعات حسابداری مالی ابتدا در جهت رفع نیازهای سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان سوق داده می‌شود و مفید بودن تصمیم مالی ملاک قضاوت در مورد کیفیت اطلاعات است. ولی در دیگر کشورها حسابداری مالی بر موارد دیگر تمرکز دارد و قواعد دیگری را اجرا می‌کند. به عنوان مثال در بعضی کشورها مانند کشورهای آمریکای جنوبی حسابداری مالی به گونه‌ای طراحی شده که مطمئن گردد مبلغ صحیح مالیات توسط مقامات محلی جمع‌آوری شده

هم گرفتار کارهای روزمره کارخانه و شرکت نبودند. در چنین شرایطی اطلاعات حسابداری مالی به عنوان یک منبع مهم در مورد کیفیت کار شرکت محسوب شد. از آنجا که برای سهامداران ناممکن است که با مدیر یا کارکنان شرکت در مورد بازرسی ثبت‌های حسابداری در تماس باشند از این رو مدیران حرفه‌ای گزارشات مالی را تهیه کردند تا سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان به همکاری خود در جهت تامین منابع شرکت ادامه دهند. در چنین وضعیتی هرگز شگفت‌آور نیست که صورتهای مالی در جهت تامین نیازهای سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان سوق داده شود. سالهای زیادی است که صورتهای مالی در آمریکا و انگلیس چنین جهتی دارند. حجم وسیعی از اطلاعات در گزارشهای مالی افشا می‌شود و تعیین سودمندی یعنی کارایی مدیریت، موضوعی از حسابداری مالی است. محیط کشورهای دیگر (مانند سوئیس، آلمان و ژاپن) چند ویژگی دیگر دارد و آن وجود بانکهای بسیار بزرگی است که قسمت اعظم سرمایه مورد نیاز تجارت را در اختیار دارند و نیز سرمایه‌گذاران به تمرکز تمایل دارند و نیاز اطلاعاتی از راههای نسبتاً ساده‌ای چون تماس با کارکنان و مشاهده مستقیم برآورده می‌شود. واحد تجاری ممکن است با تعدادی محدود و حتی فقط یک اعتبار دهنده روبه‌رو باشد و این تماس مستقیم یک راه موثر و ممکن برای کنترل سلامت مالی شرکت است و از این رو خیلی عادی است که در این کشورها شرکتها تمایل ندارند که به اندازه شرکت‌های آمریکایی اطلاعات را گزارش نمایند بنابراین بانکها نخستین منابع تامین‌کننده نقدینگی و جهتگیری حسابداری مالی به سمت

حمایت از همین اعتباردهندگان است. فرانسه و سوئد برای جهتگیری حسابداری مالی پیشنهاد دیگری را مطرح کرده‌اند، بدین‌گونه که حسابداری نقش بیشتری در اداره منابع داشته باشد و عملیات تجاری در راستای اجرا و تکمیل سیاستهای دولت و طرحهای اقتصاد کلان باشد. دولت همچنین اطمینان حاصل می‌کند که بخش تجاری سرمایه‌کافی در اختیار دارد و در صورت لزوم به آنها وام داده یا در شرکتها سرمایه‌گذاری می‌کند. به‌رحال جهتگیری حسابداری مالی باید ارایه خدمت به تصمیمگیران دولتی باشد. شرکتها فرایند حسابداری و گزارشگری را به شکل واحد و بگونه‌ای ارایه می‌دهند که تصمیمگیری دولتی را آسان نماید. البته، ارتباط بین موسسات تجاری و اعتباردهندگان مالی در هنگامی که سرمایه جدیدی از طریق اوراق قرضه در بازارهای مالی بین‌المللی وارد شد کاملاً تغییر نمود و ضمناً نیازهای اطلاعاتی هم در کشور و هم در سطح بین‌المللی باید تامین شود و این همیشه بدین معناست که در تهیه گزارشات مالی به فراسوی انتظارات و رسوم محلی حرکت شود. به‌طور خلاصه موارد زیر بر روی جهتگیری حسابداری مالی کشور اثر می‌گذارند:

- ۱ - اینکه شخص سرمایه‌گذار یا اعتباردهنده (استفاده‌کننده اطلاعات) افراد، بانکها یا دولت باشند،
- ۲ - اینکه چه تعداد سرمایه‌گذار و اعتباردهنده وجود دارد،
- ۳ - چگونگی ارتباط بین واحدهای تجاری و اعتباردهندگان و سرمایه‌گذاران،
- ۴ - میزان گسترش بورس اوراق بهادار،
- ۵ - دامنه استفاده از بازارهای مالی بین‌المللی.

۲ - پیوندهای اقتصادی و سیاسی مابین کشورها

تکنولوژی حسابداری دقیقاً مانند سیستمهای سیاسی و ایدئولوژیکی حالت وارداتی و صادراتی دارد و به همین دلیل کشورها از نظر حسابداری شبیه هم هستند. حسابداری آمریکا از کشور کانادا تاثیر گرفته است و این به دلیل نزدیکی جغرافیایی و انعقاد قراردادهای اقتصادی و اینکه تعدادی از شرکت‌های کانادایی سهام خود را در آمریکا فروخته یا از آنجا وام می‌گیرند می‌باشد. حسابداری در مکزیک بسیار شبیه به آن چیزی است که در آمریکا وجود دارد. فیلیپین به‌عنوان کشوری که قبلاً تحت‌الحمایه آمریکا بود حسابداری شبیه به آمریکا دارد و این نتیجه پیوندهای تاریخی و اجتماعی بین دو ملت است. نمونه جالب دیگر کشور ژاپن است. حسابداری این کشور تحت تاثیر استانداردهای آمریکا است. هر روز تعداد بیشتری از شرکت‌های ژاپنی سرمایه می‌گذارند و در آمریکا کارخانه تاسیس می‌نمایند. قدرت مهم دیگر در حسابداری بین‌المللی کشور پادشاهی انگلستان است که اساساً انگلیس و اسکاتلند نماینده آنند و تقریباً تمام مستعمره‌های انگلیس پس از استقلال مدل‌های حسابداری انگلستان را پیدا نموده‌اند و این شامل کشورهای استرالیا، نیوزلند، مالزی، پاکستان، هند و جنوب آفریقا می‌باشد. انگلیس نه فقط قواعد خود را به این کشورها صادر نمود بلکه بسیاری از حسابداران را به این مناطق اعزام کرد (در واقع انگلیس تنها قدرت بزرگ استعماری گذشته است که هم قواعد حسابداری و هم حسابداران خود را منتقل نمود). فرانسه و آلمان مشابه روش کشورهای مادر در مورد

مستعمرات عمل کرده‌اند ولی به اندازه انگلیس تاثیر نگذاشته‌اند. بنابراین در سال ۱۹۷۰ اتحادیه اروپا (EC) برای هماهنگ کردن عملیات حسابداری ۱۲ عضو تلاش کرده است. انگلیس، آلمان و فرانسه اختلافات اساسی در مورد جهتگیری هدفهای حسابداری مالی دارند، با وجود این همان طور که هم پیمانان اروپایی علایق اقتصادی مشابهی دارند به طور جدی تلاش می‌کنند تا عملیات حسابداری خود را نزدیک به هم انجام دهند و در حقیقت این نوع تفکر منجر به حرکت به سوی استانداردهای بین‌المللی حسابداری و شاید شالوده تشکیل کمیته استانداردهای بین‌المللی حسابداری (IASC) محسوب می‌شود که یگانه قدرت استانداردهای حسابداری مالی در سطح بین‌المللی است. همچنین در بحث پیوندهای اقتصادی و سیاسی از موارد زیر می‌توان به عنوان حرکت‌های موثر در گسترش حسابداری نام برد:

الف - فعالیتهای گسترده اتحادیه بین‌المللی حسابداران (IFAC) که یکی از اقداماتش تدوین استانداردهای حسابرسی بین‌المللی بود.

ب - انتشار رهنمودهای حسابداری در اروپا از سوی اتحادیه اروپا و ادغام آن در قانون متحد محلی تمام اعضا.

ج - فعالیت آژانسهای جهانی نظیر سازمان ملل (UN)، سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD)، اتحادیه آسیای جنوب شرقی (ASEAN)، صندوق بین‌المللی پول (IMF)، ...

۳ - سطوح مختلف تورم

در بسیاری از کشورها (حتی آمریکا)

حسابداری براساس اصل بهای تمام شده تاریخی بنا نهاده شده است و این اصل خود مبتنی بر این فرض است که واحد پول که در گزارشگری مالی استفاده می‌شود ثابت است. به بیان دیگر این اصل معتقد است که واحد پول ارزش ثابتی دارد. به طور معقول هر چه ارزش واقعی این فرض کمتر شود باعث می‌شود که در مورد اصل بهای تمام شده تاریخی با مشکل بیشتری مواجه شویم.

کاملاً واضح است که معنای اصل بهای تمام شده این است که شرکتها فروش، خرید و دیگر عملیات تجاری خود را به همان بهای مورد معامله ثبت نموده و بعدها در آن تغییر ایجاد نکنند. تاثیر عمده این اصل در مورد ارزشیابی داراییها بویژه داراییهایی که برای مدت طولانی نگهداری می‌شود است. حالت غیر معمول در مورد این اصل، تغییرات معکوسی است که در اثر تورم ایجاد می‌شود. ژاپن و آلمان که در سالهای اخیر کمترین تورم را داشته‌اند از سرسختترین هواداران اصل بهای تمام شده تاریخی هستند. کشورهای آمریکای جنوبی که در سالهای اخیر در اثر تورم ویران شده‌اند، از قبل حرکت به سمت شکستن اصل هزینه‌های تاریخی را آغاز کرده‌اند و در بسیاری از این کشورها شرکتها بهای داراییهای خود را با سایر نرخهای عمومی تغییر می‌دهند.

کشور آمریکا در طول جنگ جهانی دوم تورم بسیار کمی داشت و از این‌رو حسابداران از اصل بهای تمام شده کاملاً راضی بودند و اساساً علاقه برای تغییر سطح قیمتها محدود به تعدادی نظرات آکادمیک می‌شد. اما هنگامی که تورم در آنجا هم شروع شد و اوج گرفت نظرات

مربوط به اندازه‌گیری تاثیر تغییرات سطح قیمتها بر عملیات تجاری مطرح و گسترش یافت.

در سال ۱۹۷۹ هیئت استانداردهای حسابداری مالی (FASB) سازمانی که رویه‌های پذیرفته شده حسابداری را برای آمریکا تعیین می‌کرد، شرکت‌های بزرگ آمریکایی را ملزم کرد تا از راههای مختلف تغییر سطح قیمتها را محاسبه نمایند و سرانجام این شرکتها در گزارشهای سالانه خود این تاثیرات قیمتها را منعکس کردند و در پرونده خود برای کمیته بورس اوراق بهادار (SEC) ارسال نمودند. به‌رحال این الزامات در سال ۱۹۸۴ هنگامی که نرخ تورم آمریکا به پایینترین سطح خود رسید لغو شد.

اصولاً میزان علاقه به اینکه تا چه حد تغییرات نرخها را در ثبتهای حسابداری منعکس نماییم، به میزان تاثیراتی که به واسطه تورم بر کشور تحمیل شده است بستگی دارد. در کشورهایی که سابقه طولانی در تورم دارند، اقدامات جدی توسط حسابداران انجام شده است ولی آنها که نرخ تورم پایین دارند، علاقه‌ای به جایگزین کردن نرخهای جاری با نرخهای تاریخی ندارند.

در سالهای ۱۹۲۰ تا ۱۹۳۰ هنگامی که تورم منطقه به بیشترین حد خود رسیده بود بعضی از عقاید عجیب و غریب در مورد حسابداری تورمی مطرح شد و سرانجام حسابداران آمریکا و انگلیس مقالاتی درباره چگونگی محاسبه تغییر سطح قیمتها نوشتند. به‌رحال مسئله تورم مباحث زیادی را در حسابداری مطرح کرده و باعث تدوین اصول، استانداردها، مقالات و کتابهای زیادی شده و خلاصه در گسترش

دقیقاً همان گونه که اقوام و ملت‌ها تاریخ، ارزش‌ها و سیستم‌های سیاسی متنوعی دارند، الگوهای توسعه حسابداری مالی متفاوتی نیز دارند.

انگلیسی - آمریکای شمالی - هلندی نام ببرند. آمریکا، انگلیس و هلند کشورهای هستند که تمایل زیادی به این روش دارند. حسابداری این سه کشور در جهت کمک به تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران و بستانکاران سوق داده شده است. ضمناً چون شرکت‌های آنها به سرمایه‌های بزرگی احتیاج دارند، از این‌رو بورس سهام و بازار اوراق قرضه بسیار بزرگ و گسترده‌ای دارند، سطح فرهنگ بسیار بالایی دارند و استفاده‌کنندگان صورتهای مالی باید در این زمینه دانش کافی در اختیار داشته باشند. این کشورها همچنین دارای شرکت‌های بزرگ چند ملیتی هستند. از جمله کشورهایی که این مدل را دارند عبارتند از: آمریکا، انگلیس، استرالیا، کانادا، کلمبیا، برمه، بنین، غنا، هنگ‌کنگ، هند، اندونزی، ایرلند، جامائیکا، کنیا، لیبیا، مالاوی، مالزی، مکزیک، نیجریه، نیوزلند، پاکستان، پاناما، فیلیپین، سنگاپور، تانزانیا، آفریقای جنوبی، اوگاندا، زامبیا، زیمبابوه.

۲ - مدل اروپایی

بسیاری از کشورهای اروپایی و ژاپن در این گروه قرار دارند. در این کشورها بخش تجارت و بازرگانی رابطه بسیار بالایی با

پیشرفت اقتصادی می‌شود. کشورهای تازه توسعه یافته مانند تایوان، کره جنوبی و برزیل قادر شده‌اند تا بر تخصص حسابداری ابتدایی خود غالب شوند. حسابداری و اقتصاد هر روز رو به گسترش هستند. همان طور که جهان را می‌توان به دارا و ندار تقسیم کرد، حسابداری هم دقیقاً همین تقسیم‌بندی را دارد.

شاخه‌های حسابداری

اگر این عقیده را که حسابداری از محیط خود متأثر می‌شود بپذیریم پس منطقی است که انتظار داشته باشیم کشورهایی که محیط تجاری مشابهی دارند از نظر سیستم حسابداری مشابه باشند.

کشورها را می‌توان براساس تشابه سیستم حسابداری آنها گروه‌بندی کرد. البته ابتدا این نکته را باید یادآور شد که حتی در گروه کشورهایی که با هم مشابه هستند، حتی دو کشور یافت نمی‌شود که سیستم حسابداری مالی آنها کاملاً با هم یکسان باشد.

هر کشوری ترکیبی از شرایط محیطی خاص خود را دارد که همگی بر حسابداری مالی آن اثر می‌گذارند، بنابراین برای تقسیم‌بندی کشورها اگر مواردی را که در سطح کلی غیرمشابه هستند مینا قرار دهیم به‌هرحال چهار گروه اصلی را می‌توان تعیین کرد.

۱ - مدل آنگلو ساکسون

در محیط‌های حسابداری بین‌المللی، معمولاً اصطلاح آنگلو ساکسون برای توصیف دیدگاه حسابداری موجود در آمریکا و انگلستان به کار می‌رود. دیدگاه هلندی هم کاملاً شبیه آن است که بسیار هم دقیق است و ممکن است آن را بنام مدل

حسابداری نقش چشمگیری داشته است. ۴ - وسعت و پیچیدگی عملیات تجاری، آگاهیهای مدیریتی و ارتباطات مالی و سطح عمومی فرهنگ از جمله محدودیتهای حسابداری کشورها عبارتند از آگاهی و بینش استفاده‌کنندگان اطلاعات مالی، همراه بودن پیچیدگی محیط تجاری با پیچیدگی و مشکلات عدیده حسابداری و سرانجام نیاز و احتیاج به حسابداران سخت‌کوش برای حل این مشکلات.

در کشورهایی که سطح عمومی فرهنگ آنها پایین است حسابداری نتوانسته است توسعه زیادی یابد، مگر در کشورهایی که استعداد حسابداری بالایی داشته‌اند یا افراد روشنفکر را به دیگر کشورها اعزام نموده‌اند. ضمناً در کنار این، افرادی که از گزارشهای مالی استفاده می‌کنند باید خودآگاه و حرفه‌ای باشند (و لا نشاید گزارشهای حرفه‌ای را درخواست کنند). اکثر شرکت‌های چند ملیتی در کشورهایی که ثروتمند و صنعتی هستند (مانند ژاپن، انگلیس، آلمان، آمریکا) دفتر مرکزی دارند. اینها سیستم حسابداری بسیار پیشرفته و حسابدارانانی خبره دارند. در مقابل سطوح فرهنگ اکثر کشورهای در حال توسعه پایین است و تجار دارای سرمایه‌های کم هستند. ممکن است از خلال مباحث گذشته این سوال مطرح شود که اگر حسابداری به اطلاعات مورد نیاز واکنش نشان می‌دهد پس حسابداری کشورهای در حال توسعه باید در سطح حرفه‌ای بسیار مناسبی باشد. بسیاری از حسابداران این نظریه را دارند ولی بعضی دیگر معتقدند که فقدان حسابداری حرفه‌ای در کشورهای توسعه نیافته باعث کند شدن توانایی آنها در

بانکها دارد چرا که قسمت عمده سرمایه مورد نیاز را بانکها تامین می‌کنند و عملیات حسابداری بسیار محافظه کارانه عمل می‌کند.

جهتگیری اصلی حسابداری به سمت تامین نیاز اطلاعاتی مربوط به تصمیمگیری اعتباردهندگان نیست، بلکه معمولاً به گونه‌ای طراحی شده که هدفهای اصلی مورد نیاز دولت را برآورده نماید مانند تعیین مالیات بردرآمد و کمک به طرحهای دولت در مورد اقتصاد کلان.

کشورهای فرانسه زبان آفریقا به سمت این مدل حسابداری حرکت می‌کنند. تعدادی از کشورهایی که دارای این مدل هستند عبارتند از: آلمان، انگولا، اتریش، ایتالیا، اسپانیا، بلژیک، بورکینافاسو، پاراگوئه، دانمارک، ژاپن، سوئد، سوئیس، سنگال، سیرالئون، فنلاند، فرانسه، کامرون، گینه، مصر، مراکش، مالی، نروژ، یونان.

۳- مدل آمریکای جنوبی

این مدل بیشتر کشورهای آمریکای جنوبی را شامل می‌شود که زبان مشترک آنها اسپانیایی است و دارای وجوه مشترک موروثی هستند. آنچه که این مدل را از دو مدل پیشین جدا می‌سازد استفاده از حسابداری تعدیلی برای تورم است. این حسابداری در جهت برآورد نیازهای برنامه‌ریزان دولتی جهتگیری دارد و برای گزارشگری مالی از مبنای حسابداری مالیاتی استفاده می‌شود. کشورهایی مانند آرژانتین، برزیل، شیلی، اکوادور، پرو، و اروگوئه دارای این مدل هستند.

۴- مدل مختلط

در سالهای ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۰ یک تغییر

ناگهانی سیاسی در شرق اروپا و شوروی سابق رخ داد و مدل حسابداری خاصی به وجود آورد که نسبت به دو چیز بسیار حساس بود. نخست باقی ماندن کنترل مرکزی اقتصاد و دوم کنترل فعالیت‌های بازار. در این مدل، سیستم حسابداری موسسه‌های اقتصادی دو وجهی است؛ یک روش به تهیه اطلاعات برای مدیران می‌پردازد که بشدت متکی بر سرفصل حسابهای متحدالشکل و اطلاعات مالی بودجه‌ای است. دولتهای کمونیستی مالک تمام منابع تولید هستند و تمام منابع مالی را خود تامین می‌نمایند. با این وضعیت ناگزیر به وحدت رویه بالایی نیاز است و استفاده کنندگان اولیه برنامه‌ریزان دولتی هستند و وحدت رویه حسابداری برای کنترل تمام اقتصاد کمونیستی لازم است. صورتهای مالی برای استفاده کنندگان خارجی تهیه نمی‌شود بلکه برای مدیران موسسات و برنامه‌ریزان دولتی تهیه می‌شود.

روش دیگر، مبتنی بر اقتصاد بازار است

**در کشورهای سطح
عمومی فرهنگ آنان پایین
است حسابداری نتوانسته
است توسعه زیادی یابد،
مگر در کشورهایی که
استعداد حسابداری بالایی
داشته‌اند یا افراد روشنفکر
را به دیگر کشورها اعزام
نموده‌اند.**

و مدل حسابداری انگلوساکسون را دنبال می‌کند و رسالت آن تهیه اطلاعات برای سرمایه‌گذاران، بانکها، و تحلیلگران مالی شرکتها، در کشورهای سرمایه‌داری است. در این مدل در زمینه حسابداری شرکت‌های سهامی، ارزشگذاری داراییهای تولیدی برای خصوصی‌سازی واحدهای اقتصادی، آموزش و سازماندهی حرفه حسابداری، و نظارت بر توسعه حسابداری کوششهای فراوانی شده است. کشورهایی که دارای این مدل هستند عبارتند از: ارمنستان، آذربایجان، اکراین، ازبکستان، استونی، بلغارستان، ترکمنستان، تاجیکستان، روسیه، رومانی، قزاقستان، قرقیزستان، کردان، لاتونی، لیتوانی، مجارستان.

۵- مدل‌های جدید

در کنار چهار مدل اصلی که توضیح داده شد، دو مدل دیگر در حال تکوین است. نخست مدل اسلامی که نظرات آن مبنایی الهی دارد، به‌عنوان مثال تحریم شناسایی بهره پول از آن جمله است. در این مدل ارزشهای جاری بازار برای اندازه‌گیری داراییها و بدهیها بیشتر مورد توجه است. این مدل هنوز تکمیل نشده و هنوز نتوانسته است مدل جامعی را از حسابداری مالی ارائه دهد.

مدل دوم را می‌توان مدل استاندارد بین‌المللی نامید، ریشه این مدل در هماهنگ‌سازی حسابداری مالی، مخصوصاً برای شرکت‌های چند ملیتی و بازارهای بین‌المللی است. تعداد شرکت‌هایی که گزارشهای مالی سالانه آنها با استانداردهای بین‌المللی حسابداری مالی انطباق دارد، بسیار محدود است.

منبع